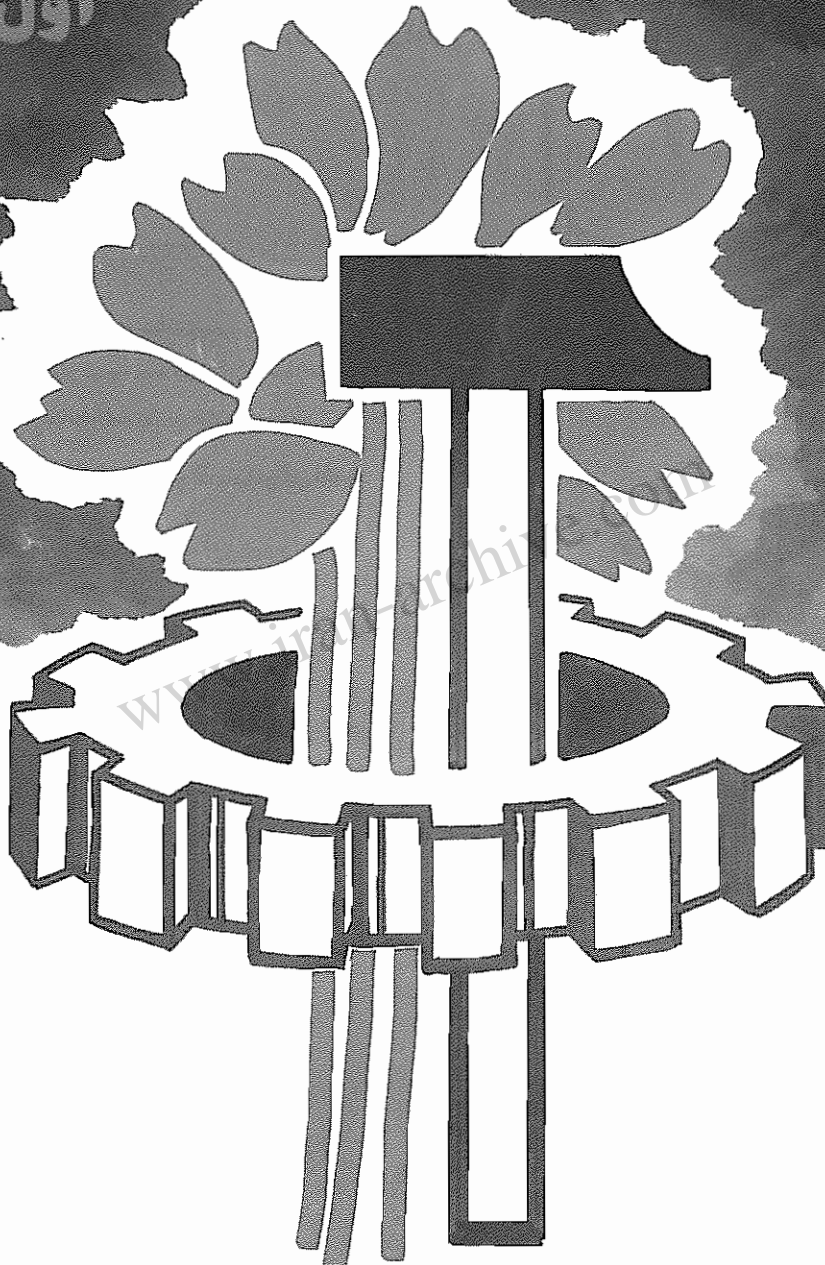


نشریه دانشجویان موادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور

سال پنجم اردیبهشت ۶۵ مه ۸۶ شماره ۴۲

اول ماه مه

روز جهانی کارگر ۱۹۸۶-۱۸۸۶



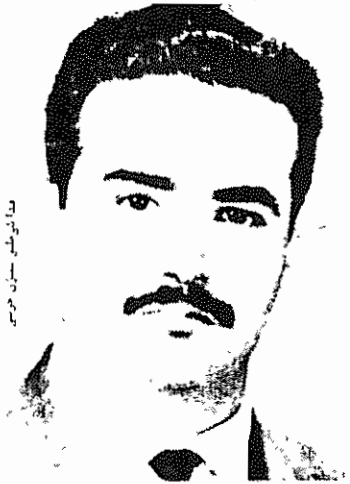
گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان بارفیق عضو کمیته

مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدائی خلق

ایران پیرامون حمله سلطانیه به مرکز فرستنده رادیو "صدای فدایی"

در این شماره

یاد رفیق کبیر بیژن جزنی
و همزمانش
گرامس باد



یاد رفقا
شیرین فضیلت کلام و
مرضیه احمدی اسکویی
گرامس باد



نوضیح
به علت تراکم مطالب، قسمت
دوم مقاله‌ی "نگاهی به تاریخ
مبارزاتی خلق کرد" در شماره‌ی
آینده چاپ خواهد شد.
ضمناً، به همین دلیل، صفحات
"واژه‌ها" و "یادها" نیز
در این شماره‌ی جهان چاپ
نمی‌شود.

۳ توطنه جاسوسی مجاهدین محکوم است

۴ گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان بار رفیق عضو کمیته
مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریک‌های فدایی خلق
ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

۸ اخبار ایران

۱۲ اخبار جهان

۱۷ اخبار جنبش دانشجویی

۱۹ گزارشهایی از عملیات جاسوسی و شناسایی، تعقیب و
مراقبت و ضرب و شتم هواداران سازمان توسط
فلاترهای مجاهدین در کشورهای مختلف

۲۲ ناتوانی اوپک در تثبیت بهای نفت
و

سقوط درآمد ارزی رژیم

۲۶ تاریخ مختصری از برگزاری جشن اول ماه مه در ایران

مترجمه از نشریه قطار و ماه روز جهانی کارگر اردیبهشت ۱۳۷۰

۲۸ در پاسخ به هنگامی‌های آقای رجوی

۴۹ از خوانندگان

۵۱ شهر

توطئه جاسوسی مجاهدین محکوم است

سازمان مجاهدین خلق اخیراً با معرفی برخی از اعضای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و اقدامات جاسوسی علیه عوادلاران سازمان در خارج از کشور و انتشار نام و عکس و مشخصات آنان* و همچنین ضرب و جرح رفقای عوادلار گام دیگری در جهت خیانت به جنبش انقلابی ایران و خدمت به بورژوازی و ارتجاع پییموده است. مجاهدین، بر خلاف ادعایشان در اعده دانستن " مبارزه علیه خمینی " مدتهاست مخالفت و جنک بیمارگونه‌ای را علیه طبقه کارگر ایران و تیلور سازمان یافته آن یعنی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برآه انداخته‌اند. رهبری مجاهدین که تصاحب قدرت را در موعدهای سه ماهه و شش ماهه به عوادلاران خود نوید می‌داد امروز با شکست عمده سیاستهای جدا از توده خود و دیپلماسی بورژوازی‌اش و اضمحلال " شورای ملی مقاومت " خود را در بن بست و بحرانی لاعلاج می‌یابد. رهبری مجاهدین سعی دارد همه‌ی این شکست‌ها را به گردن سازمانهای انقلابی انداخته و با مبارزه علیه صف انقلاب بار دیگر " تنها آلترناتیو بودن خویش را به امپریالیست‌ها ثابت کند. اگر تا دیروز محور اصلی حرکت مجاهدین در خارج از کشور کرنش به درگاه سران دولتهای امپریالیست و دست نشانندگان آنان بود، امروز جاسوسی علیه نیروهای انقلابی و لو دادن اعضای مخفی سازمانهای انقلابی و مبارز درون کشور را پیشه

* سازمان مجاهدین در " مجاهد " شماره‌ی ۲۷۹ نام و مشخصات تعدادی از رفقای سازمان و در شماره‌ی ۲۸۵ همین نشریه عکس و نام و مشخصات برخی از عوادلاران سازمان را انتشار داده است.

ضد انقلابی خویش ساخته‌اند تا کسی دیگر در یگانگی این " آلترناتیو " بورژوازی و ضدیتش با انقلاب شک و شبیه‌ای به خود راه ندهد.

رجوی، با به کار بردن کثیف‌ترین عبارات علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و عوادلاران صادق و مبارز آن و با تشویق طرفداران خود به تکرار طوطی وار این اراجیف و حملات فالانژگونه علیه نیروهای انقلابی در خارج از کشور، در حقیقت سعی دارد ضعف و زبونی سازمان مجاهدین را در مبارزه علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی لایوشانی کند.

عوادلاران مجاهدین در خارج از کشور که بنا بر دستورات رهبری این سازمان مدتهاست آکسیونهای تهاجمی و حتی اعتراضی علیه رژیم را تعطیل کرده‌اند و از ترس اینکه مبدا دولتهای امپریالیستی به آنان انک " ماجراجویی " و " اغلالگری " بزنند مظلوم نمایی و چاپلوسی را پیشه خود ساخته‌اند، امروز وقاحت را به جایی رسانده‌اند که از عوادلاران سازمان بیلان مبارزات آنان را خواستارند. عوادلاران سچفا که طی چند سال اخیر با مبارزات پی‌گیر و آکسیونهای تهاجمی خویش روزگار را بر عوامل رژیم در سفارتخانه‌ها و دیگر مراکز جاسوسی سیاه کرده‌اند و با افشاگری‌های عمده‌ای در سطح جهان موفق به بی اعتبار ساختن جمهوری اسلامی در اذهان عمومی بین‌المللی شده‌اند، به هرگونه شانتر از سوی عوامل بورژوازی تنها به دیده تمسخر خواهند نگریست.

آقای رجوی، " رهبر " خودگزیده " انقلاب نوین ایران " بی‌شرمانه خواستار آن است که سازمان چریکهای

فدایی خلق در اقبال توطئه، جنایتکارانه باند مدنی - شبیانی علیه صدای فدایی، به او (رجوی) جوابگو باشد. امروز حقایق پیرامون این توطئه روشن شده و نقش عنصر خود فروخته‌ای چون مهدی سامح، به عنوان فرستاده مجاهدین در تحقق زمینه‌های این جنایت ثابت شده است. بنا بر این طبیعی است که پرده‌ی بعدی این دسیسه وارد آوردن تهمت و افترا علیه اعضای سازمان و لو دادن نام و مشخصات آنان توسط مجاهدین همراه با پشتیبانی ضمنی از باند مدنی باشد.

رهبری مجاهدین امروز از پاریس فتوا صادر می‌کنند که نیروهای انقلابی باید " موضعشان را در اقبال خلق قهرمان ایران روشن کنند. "

موضع سرفراز انقلابیون جان بر کف ایران و در پیشاپیش آنان، فداییان خلق، در اقبال خلقهای قهرمان کشور همیشه روشن و مایه افتخار بوده است. حقیقتاً آنکه موضع خویش را باید روشن سازد کسی جز سازمان مجاهدین خلق نیست. مجاهدین که در سالهای اخیر عملکردی جز نزدیکی با امپریالیست‌ها و سازش و مماشات با سران دولتهای ارتجاعی و بورژوازی داخلی نداشته‌اند چگونه به خود جرأت می‌دهند که از سازمانهای انقلابی ایران بیلان مبارزاتیشان را طلب کند.

رهبری مجاهدین که سالهاست هم‌نشین کره‌ترین چهره‌های سیاسی امپریالیسم جهانی همچون کندی، گری عارت، ژاک شیراک و جز اینان شده است و خون ده‌ها هزار از جوانان کشور را وثیقه سازش و ایجاد روابط حسنه با دست نشانندگان امپریالیسم و جنایتکاران منفوری همچون ملک حسین کرده است، چگونه به خود جرأت

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان بارفیک عضو کمیته

مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو "صدای فدایی"

وچپ را تضعیف کنند بلافاصله رژیم دیکتاتور با ائتلاف‌هایی از سرمایه‌داران و دست‌نشانندگان خود را بمشابه اقلیتی غارتگر، برای اسارت توده‌های میلیونی مورد پشتیبانی قرار داده‌اند. در ایران علیرغم نقش فعال و همدانیم‌سازمان در سرنگونی رژیم شاه با اینهمه بعد از سرنگونی این رژیم دیکتاتور، در غیاب یک سازمان نیرومند طبقه کارگری آلترنا تیو پرولتری یکی از خشن‌ترین و وحشی‌ترین حکومت‌های تاریخ را در دفاع از استثماریگران برپا نموده‌اند که جز با حمایت همه‌جانبه امپریالیسم جهانی و کمک‌های بیدریغ به این رژیم، ادامه حکومت جا برانه جمهوری اسلامی تا به امروز میسر نبود.

سؤال: حمله مسلحانه به مرکز فرستنده "صدای فدایی"

چگونه انجام شد؟

جواب: در روز چهارم بهمن ماه بانده خود فروش مدنی - شیانی طی طرحی از قبل ریخته شده به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان حمله کردند. از آنجا که تحقیق پیرامون این جنایت ضرورتاً به زمان بیشتر و راه‌اندازی در این زمینه نیاز داشت، اکنون که حقایق و نتیجه تحقیقات انجام یافته مشخص شده است، بخاطر آگاهی عموم هموطنان مبارز، سازمان‌های انقلابی و مترقی و مردم سراسر جهان و قضاوت آنان در باره این جنایت هولناک و عاملین اصلی این خیانت‌ها که هیچ‌گونه شمره‌ای جز خدمت به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی به ما نیاورده است، به توضیح در این باره می‌پردازیم و قضاوت آنرا بعهده همه کسانی که با عشق به آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم و وجدان انقلابی نسبت به مسائل اجتماعی می‌اندیشند، می‌گذاریم. می‌دانید که از همان ابتدای شروع برنام‌های "صدای فدایی" حملات کینه‌توزانه عوام‌مآب امپریالیسم، طرفداران بورژوازی در ایران، مرتجعین منطقه و جریان‌های رفرمیست و بورژوا لیبرال و دیگر محافل ضد فدائی شناخته شده علیه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و "صدای فدایی" شدت گرفت. ابتدا سعی کردند تپوری و نمودسا زندک "صدای فدایی" شنیده نمی‌شود و در هیچ جای ایران قابل استفاده نیست! پس از آن در ضدیت با سازمان مطرح کردند مگر با رادیو می‌شود کاری از پیش برد؟! اصلاً چرا اسمش را "صدای

سؤال: بی‌گمان یکی از هولناک‌ترین توطئه‌های حنا بیت باری که طی چند سال گذشته علیه سازمان صورت گرفته است حمله اخیر عوام‌بورژوازی به "صدای فدایی" می‌باشد. با توجه به ابعاد این جنایت نظر شما در باره این توطئه مسلحانه و نقش امپریالیسم و ارتجاع در آن چیست؟

جواب: اکنون که روند انقلاب در ایران فرو پاشی و اضمحلال رژیم جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار داده است نیروهای طرفدار بورژوازی نیز بخاطر حفظ سیاست سرمایه‌بیش از پیش علیه نیروهای انقلابی به تکان‌ها افتاده‌اند. طرفداران نظام سرمایه‌داری در ایران تلاش دارند حکومت مطلقه و استثماری را برپا سازند و رگ‌برگ‌ها را از حرکتشان در ایران مستحکم نمایند. جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که بخشی از تلاش‌های آنان در جهت تضعیف نمودن سازمان‌های انقلابی و کمونیستی و در راه آنها سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران می‌باشد.

می‌دانید که امپریالیسم و ارتجاع همه‌جا بطور آشکارا در عمل نمی‌شوند، برای جرای این توطئه و حمله به "صدای فدایی" آنها از عوام‌نمفوذی خود در درون سازمان استفاده کردند و بطور پنهانی سیاست خود را از طریق آنها پیش بردند. آنها خوب می‌دانند که با وجود حضور فعال نیروهای سازمان در پیش‌پیش‌پیش توده‌ها در صحنه مبارزه حکومت خودکامه دیگری اینبار چه شکل جمهوری دمکراتیک اسلامی رجوی و چه نوع غیر اسلامی برپا به بهره‌کشی از کارگران و بطور کلی انقیاد دویا ره توده‌های مردم میسر نیست، بنابراین ترجیح دادند با استفاده از عوام‌مل رنگارنگ خود و میان‌دخلیه‌شان "صدای فدایی" را آماج حملات همه‌جانبه خود قرار دهند، تا بخیال خام خود بتوانند از این طریق مانع گسترش روز افزون نفوذ سازمان در میان کارگران و زحمتکشان گردند. آنها در نظر دارند نیروهای انقلابی بویژه سازمان ما را تا می‌توانند تضعیف نمایند که صدایشان بگوش توده مردم نرسد و آنوقت با فراغ خاطر بمنظور حفظ و حراست از نظام سرمایه‌داری حکومت دیکتاتور مورده نظر خود را جایگزین نمایند. کاری که امپریالیسم در سراسر دنیا انجام می‌دهد. در هر کجا که امپریالیسم و ارتجاع موفق شدند در کوتاه مدت جنبش‌های آزادیبخش را سرکوب نمایند و سازمان‌های انقلابی

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان جریکهای فدایی خلق ایران بپیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

فدائی "گذاشتند؟ و یکسری مسائل دیگر که از حوصله ایستادن گفتگو خارج است. هنگامیکه "صدای فدائی" با استقبال پر شور کارگران و زحمتکشان ایران روبرو شد و با ره بفسف گلویشان را فشرده و مطرح کردند "صدای فدائی" اخبارش کم است، رادیوئی که اخبارش کم باشد اصلاً بدردمنی خورد! البته ما هیچوقت نخواستیم کمبود اخبار در برنا مه های "صدای فدائی" را توجیه کنیم و در حد توان برای رفع این نقیصه تلاش کردیم. ولی حتماً می دانید که این فقط "صدای فدائی" نبود که اخبارش کم بود، و اینکه چرا می باید این ضعف برجسته شود و از آن نتیجه گیری شود که "صدای فدائی" بدردمنی خورد! خود موضوعی است که با توضیح پیرامون حمله به "صدای فدائی" خوانندگان بخوبی آرا در می یابند. بهر صورت در همین هنگام متوجه شدیم مصطفی مدنی که در سال ۶۰ با اظهارنداشت و پیشمانی از گذشته ننگین اش از جریان خائنه موسوم به "اکثریت" به سازمان پیوسته بود بطور غیرتشکیلاتی به طرح مسائلی می پردازد که مشخصاً دال بر عدم صداقت وی و جانبداری اش از جریان رفرمیست می باشد. همزمان با وی حامد شیبانی تنها با زمانه طرفدار "شورای ملی مقاومت" از کنگره اول سازمان نیز با داشتن پرونده قطور تنبیه تشکیلاتی و شعلیق های مکرر به ایجاد یکسری روابط غیرتشکیلاتی در شاخه کردستان دست زد. این دو، علیرغم برخورد های مکرری که با یکدیگر داشتند و در مواردی منجر به تنبیه هر دو آنها شده بود، در آن مقطع صرفاً بخاطر فدیت با تشکیلات به اجابندی مبادرت نمودند و یکی از اعضاء کمیته کردستان بنام فرید که وی نیز از "جناح چپ اکثریت" به سازمان پیوسته بود و حدود یکسال قبل عضواً زمان شد، بطور مخفیانه به این دونفر پیوست. این سه نفر به ایجاد ارتباط پنهانی با بعضی سازمان های دیگر دست زدند. سرانجام بعد از پی گیری های مداوم و در یک مورد اساساً گفتگو، مدنی مجبور شد به وجود ارتباط پنهانی خود و فریدبا "راهکارگر" اعتراف نماید. فرید و مدنی هر دو در این مورد مواخذه شدند و با اظهار پشیمانی از این عمل ضدتشکیلاتی و تقبیح اینگونه اعمال بنا شد از تکرار این گونه حرکات اکیداً خودداری نمایند.

در مهربان گذشته به مدنی تکلیف شد با دیدن نظراتش را پیرامون خط مشی سازمان کتبا بنویسد و بطور مشخص هر نظری را که به تشکیلات وارد مطرح نماید، چرا که آنها با عمده کردن مسائل تشکیلاتی عملاً از طرح نظراتشان طفره می رفتند و بطور بیگانه ای نظرات رفرمیستی خود را پنهان می داشتند.

سرانجام بعد از مدتی، آنها مجبور شدند حول اساساً نا مه پیشنها دی رفقای کمیته مرکزی برای کنگره نظراتشان را بنویسند. پس از آن مشخص شد که آنها خواهان چه تشکیلاتی می باشند و چگونه مناسباتی را خواها نند. سازمان نیز با نقد کوبنده نظرات بغایت اپورتونیستی و رفرمیستی آنها راهی برای اظهار وجود دوباره این خائنین در تشکیلات و جنبش کمونیستی باقی نگذاشت. هنگامیکه از این فرصت طلبان بالای تشکیلات، هم رفقای سازمان علیه این فرصت طلبان موضع گرفتند، آنها تا ب و تحمل چنین برخوردی را نیاوردند و راهی را انتخاب کردند که سا برهم مسلکاً نشان رفته اند، راه خیانت و ارتداد. آنها بردا منهارت با طاعت پنهانی خود با سایر جریانها تا افزودند و در درون تشکیلات با سوء استفاده از دمکراسی درون تشکیلاتی کار را بجائی رساندند که هر پیشمرگ با دهی را علیه تشکیلات می شورا نند و از آنها می خواستند که علیه خط مشی سازمان موضع بگیرند. همین اواخر یکی از رفقای عضو کمیته کردستان در باره دودیدار غیرتشکیلاتی مدنی از شاخه کردستان که به بهانه مدنی فرید انجام شده بود چنین گزارش کرده بود: "در شرایطی که مبارزه ایدئولوژیک در سطح سازمان جریان دارد، اپورتونیستهای ضدتشکیلات، برای جلب کردن نظر توده های هوادار تشکیلات از هیچ تلاش مذبحانه ای کوتاهی نمی کنند. نمونه جالب و مضحک این مسئله رفیق امین می باشد که در عرض سه روزی که در مقر کمیته کردستان بعنوان مهمان بود با برقراری مناسبات غیرتشکیلاتی و صحبت های درگوشی چند ساعتی با چند تن از پیشمرگان شناخته شده سازمان اوج عجز و زبونی این افراد را به نمایش گذاشت. بعنوان نمونه حاصل چندین ساعت صحبت درگوشی او با یکی از همسواران سازمان (فواد) که در سطح بسیار نا زلی از آگاهی قرار دارد این بود که: فواد بدون مقدمه در مرقع عمومی اعلام می کند: "لنین عجب کار خوبی کرد که در مقابل کمیته مرکزی ایستاد و خودش به میان توده ها رفت و دستور قیام داد." بلی این اپورتونیست، محفل بازو با ندباز، که علیرغم اعتراضات چندین ساله نیروهای تشکیلات و ... امروز بخود جرات آنرا داده که در بین پیشمرگ های ساده سازمان ایستادگی در برابر کمیته مرکزی را تبلیغ نماید.

سؤال: پس چرا سازمان این افراد را در تشکیلات نگه داشت؟

جواب: با توجه به نزدیک بودن کنگره و مصالح سازمان و اینکه در هر صورت اینها با یدار لحاظ نظری بیش از این در سطح سازمان و جنبش افشا شوند، تصمیم گرفتیم اینها را تا کنگره نگه داریم و اخراج نکنیم، به آنها تذکر دادیم بر طبق اعمال ضدتشکیلاتی که از آنها سر زده است، با یدار سازمان اخراج شوند، اما بنا به مصالح سازمان با یدی در کنگره شرکت کنند و آنجا از نظراتشان دفاع کنند.

کفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

به آنها اخطار کردیم از اعمال تشکیلات شکنانه دست بردارند و برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و ایجاد هرج و مرج کتبا به آنها نوشتیم که جزء شرکت کنندگان در کنگره می‌باشند و تاریخ کنگره را نیز به آنها ابلاغ کردیم تا دیگر بهانه‌ای دستشان نباشد، ما آنها خوب می‌دانستیم که کنگره نه فقط به افساء همه جا نبه نظری آنها می‌پردازد، بلکه با کنار زدن نقاب دورویی از اعمال خیانت آمیز آنها در کنگره و بر ملا شدن ارتباطشان با رهبری مجاهدین و دیگر جریان‌ها رفرمیست، کنگره به محاکمه آنها نیز بدل خواهد شد، این بود که تصمیم گرفتند طرح توطئه خائنه خود را زودتر به اجرا در آورند.

سؤال: بعد از حمله به مرکز رادیو سازمان، جریان‌ها مختلف به اظهار نظر پرداختند و هر کدام به نحوی به تبلیغات ضد سازمان دادند، در این مورد نظر شما چیست و آیا این جریان‌ها از قبیل هم نقشی داشتند؟

جواب: قبل از به اجرا در آمدن این توطئه عمده تبلیغات سوء و خط و نشانها علیه "صدای فدائی" در شکل علنی و آشکار آن از جانب رهبری مجاهدین صورت گرفت. در این رابطه یکی از افراد رهبری و رسوای بسیار مشهور مجاهدین بنام ابریشمی که این روزها بخاطر انقلاب ایدئولوژیک - اشان نفرت کلیه سازمانها و مردم انقلابی و مترقی را برانگیخته است، درست یک روز قبل از حمله به "صدای فدائی" اقدام به سخنرانی در پارک رییس نمود. بعد از حمله به "صدای فدائی" موجی از دروغ پراکنیها و شایعات پیرامون ایسنا جنایت از جانب تطبیف ضد فدائی و عوامل شناخته شده در خارج از کشور بسط داده شد، هر یک از این جریان‌ها بسته به منافع خاص خود و با در نظر گرفتن منافع گروهی و نه مصالح جنبش به اظهار نظر پرداختند. بعضیها که قدرت واقع بینانی خود را از دست داده بودند، به دخالت آشکار پرداختند و البته همه آنها با ابراز تاسف از حادثه بیکه پیش آمده و با ایداز تکرار آن جلوگیری شود!

در حالیکه اکنون موضع گیریهای خصمانه دشمنیهای پنهان و آشکار هر یک از این جریان‌ها با طبقه کارگران ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برهیچکس پوشیده نیست، با وجود ادعاهای دروغین و تاسف صوری آنها از واقعه اینکه منجر به حمله به "صدای فدائی" شد، با نگاهی هرچند کوتاه به موضع گیریهای رسمی آنان بر راحتی در می‌بید که آنها حتی به ظاهر هم که شده به این تاسف ریاکارانه خود متعهد نیستند.

نشریه مجاهد شماره ۲۷۹، ارگان رهبری مجاهدین جنبش

نوشته است:

"در شماره گذشته "مجاهد" ضمن ابراز تاسف مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان نسبت به درگیری مسلحانه در درون گروه اقلیت (تاکید از ما است) مورخ ۶ بهمن ماه ۶۴ به اطلاع خوانندگان عزیز رسید روز جمعه ۴ بهمن ماه جاری در مرکز استقرار و محل تمرکز گروه اقلیت واقع در یکی از روستاهای نوار مرزی درگیری مسلحانه‌ای بین افراد این گروه اتفاق افتاد... و یکسری خرده فرمایشات دیگری از این دست. در همین شماره ۲۷۹ "مجاهد" در همان صفحه پس از فحاشیهای زیادی که از سالها پیش جزء ایدئولوژی و فرهنگ مجاهد در آمده در بنده افاضات خود چنین گفته اند:

"... بدیهی است مقابل با پیاپی مدهای زیانبار ناشی از فضیلت‌های با ندحا کم بر جاعت اقلیت، یک وظیفه اصولی و عقیدتی برای نیروهای پیشوا و صدیق انقلابی - بالخصوص مجاهدین خلق ایران بشمار می‌رود. همه ما موظفیم که وفاداری تمام عیار به اصول و شیوه‌های انقلابی و با نثار خون و فدای بی‌پایان و بذل صداقت و خلوص با زهم بیشتر بهای این وظیفه می‌بریم مردمی و انقلابی را بپردازیم. چرا که در حقیقت و در نهایت، این خلق ستمدیده ما و زحمتکشان محروم ایران هستند که تاوان فرصت طلبیها و ریاکاریها و خیانت‌های امثال با ندحا کم بر اقلیت را می‌پردازند. پس وظیفه رشیدترین فرزندان محاهد و مبارزان مردم است که با وفاداری کامل به پرنسیپها و اصول مبارزاتی و انقلابی روح امید و اعتماد در درجا مع و در سطح جنبش بپراکنند و نشان دهند که با ندهاشی نظیر ایدئولوژیهای حاکم بر گروه اقلیت... و یکسری فحاشیهای دیگر که فقط در شان آقای رجوی و دیگر رهبران وابسته با مپریا - لیسم مجاهدین می‌باشد.

بله، رهبری مجاهدین اینطور اظهار تاسف می‌کند؟! برای اینکه این حادثه دیگر تکرار نشود از هم اکنون نیز کلیه اقدامات لازم را بعمل آورده است! اما برآستی کیست که معنای این گونه اظهار نظرها را نفهمد؟ کیست که نداند مجاهدان زروی خوشحالی و مسرت در پوست خود نمی‌کنند و برای تکرار این فجایع از هیچ تلاشی فروگذار نیست. مجاهد ۲۷۹ و ۲۸۱ خود سند بسیار گویائی است مبنی بر این آتش افروزی سؤال: آیا رهبری مجاهدین چه منفعی را از این ضدیت‌های بی‌مبارک و بی‌سازمان دنبال می‌کنند؟

جواب: منافع آنها در تضعیف سازمان نهفته است چرا که آنها خوب می‌دانند تنها جریانی که بر روی مواضع اصولی و انقلابی خود ایستاده است سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌باشد، بنا بر این روشن است که با وجودیک سازمان چریکهای فدائی خلق نیرومند نمی‌توانند از طریق زد و بند با مپریا لیست‌ها بقدرت برسند و مجدداً جمهوری اسلامی دیگری را با چاشنی دمکراتیک در ایران

کنفکوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

مستقر سازند.

از جریانی که خواهان جمهوری اسلامی بدون خمینی است، جریانی که خواهان بودن قدرت در دست سرمایه دارها می باشد آیا از این بیشتر انتظار می رود؟ جریانی که طی چند سال گذشته با رها سرسپردگی خود را در پیشگاه سلاطین سرمایه اعلام داشته و هنوز در حسرت جلب اعتماد کامل امپریالیسم آمریکا، هر روز بنام پیروزی دیپلماتیک به فضاخت تازه ای روی می آورد تا بتوانند با استفاده از زنها ده های قدیمی مثل پلیس، ارتش، سپاه پاسداران، بسیج و خلاصه کل دستگاه بوروکراتیک - نظامی، دوباره مردم را به انقیاد بکشانند و حکومت بربریت دیگری را این بار با نام جمهوری دمکراتیک اسلامی به مردم تحمیل نمایند. لازمه این کار این است که از همین حال احسن نیت خود را به امپریالیسم نشان دهند و دشمنی آشکار خود را با طبقه کارگرایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعلام دارند. آنها برای فرار از بر ملا شدن این سیاست خائنه خود، طی یکسال گذشته با رها به بر خوردهای غیر سیاسی و اعمال شرم آوری دست زده اند، در همین نشریه ۲۸۱ خود مدعی شدند سازمان ما با خمینی همسوزده است؟! چرا که هم رژیم خمینی ملاقات رجوی - ملک حسین را محکوم کرده و هم سازمان ما! اگر این استدلال درست است، خوب در همین شماره نشریه و در همین مقاله "اقلیت...." آنها با رها به بختیاری رخش داده اند، خمینی هم به بختیاری رخش می دهد، بنا بر این خود آنها هم با خمینی همسو هستند! ولابد بخاطر همین همسوز شدن با خمینی است که آنان چند سال است به امپریالیسم چیسوزی نمی گویند؟!

رهبری مجاهدین که خود یکی از مشوقین حمله به "صدای فدائی" بودند، اکنون که دریا فتنه اند حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان با شکست مفتضاحانه توطئه گران پایا ن یافته است و سازمان در دفاع از حقانیت نظری و سیاسی - تشکیلاتی خود از هیچگونه فداکاری و جان بازی رویگردان نیست، مثل همیشه بشکل بدخواهانه ای به تحریف حقایق پرداخته و برای بهره گیری از موقعیت بدست آمده ناگزیر به ابراز تا سف صوری پرداخته و در حقیقت برای تکرار اینگونه فجایع جنجالهای آشنا و نا هنجاری سرداده اند. ملاحظه کنید آنها در نشریه مجاهد شماره ۲۸۱ چه گفته اند: "همه ما موظفیم که با وفاداری تمام عیار به اصول و شیوه های انقلابی و بانشار خون وفاداری بی پایا ن و بذل صداقت و خلوص با زهم بیشتر، بهای این وظیفه مبرم مردمی و انقلابی را بپردازیم. کدام وظیفه؟ وظیفه ای که بر طبق آن رهبری

مجاهدین خود را موظف می دانند با اجیر کردن عده ای خود - فروش در پاریس امثال عنصر خانی بنام "سامع" آنها را به خبرچینی وادارند.

سؤال: آیا در این حمله مسلحانه دست نشانندگان رجوی هم نقش داشتند؟

جواب: بله، رهبری مجاهدین پس از دریافت اطلاعاتی از درون سازمان ما، وسیله عنصر خود فروش و پستی بنام حماد شیبانی فوراً عنصر مرتدی بنام "سامع" را برای تماس با مدنی - شیبانی به کردستان اعزام داشتند. فرد مجاهد پیشه مدتها در مقر "راه کارگر"، "دمکراتها"، اطاق اشرف دهقان (بیخشد مقرر اشرف دهقان) پرسه زد و سرانجام وقتی تماس با مدنی در منطقه استقرار را دیوسا زمان برایش میسر نشد، ناگهان بخاطر تحقق این دیدار شوم، مصطفی مدنی به درددندان جانکاهی گرفتار آمد که بیگفته خودش تنها معا لجه اش در مطب دیگر نیروها و یا خارج از منطقه میسر می شد! بمنظور معا لجه، مدنی به منطقه دیگری فرستاده شد اما متوجه شدیم که همه جا عنصر مرتد و جاسوس رجوی دنباله مدنی از دور حرکت می کند تا شاید وی را تنها بیا برد، و بالاخره وقتی در مطب دندان نیز شک توفیق ملاقات نیافتند، در محل اسکان مدنی در خارج از منطقه، جاسیکه در انتظار دکتر دیگری بودند، مدنی - سامع تصمیم به دیدار می گیرند، که البته بهنگام ملاقات مدنی - سامع، رفیق همراه مدنی عمل وی را تقبیح می نماید و در حالیکه مدنی دلیل ملاقات خود را به رفیق مسئول ارتباطات همراه خودش، "هم زندانی بودن در دوره شاه با سامع" و اینکه "بالاخره سامع روزی در سازمان بوده"؟! ذکر می کند، رفیق همراه مدنی از این دیدار رمانعت بعمل می آورد و وی را برای معا لجه درد نا علاجش و نه درددندان به مقر سازمان بازمی گرداند.

سؤال: آیا انتشار رعلنی اسامی چند تن از رفقای سازمان همزمان با حمله به "صدای فدائی" از جانب مجاهدین به چه منظور صورت گرفت؟

جواب: در راستای سیاست ضدیت با طبقه کارگر و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران رهبری مجاهدین فرصت را مغتنم شمردند و اقدام به عمل پلیسی نیز نمودند، آنها در خدمت به رژیم جمهوری اسلامی به انتشار رعلنی اسامی چند تن از رفقای ما دست زده اند، که این کار خود در جنبش انقلابی ایران بی سابقه بوده است. این عمل فحش از ساواکیها و عوامل رژیم جمهوری اسلامی ساخته است و نه کس دیگری، براستی انتشار رعلنی اسامی رفقای سازمان ما از جانب رهبری مجاهدین در خدمت به چه کسی است؟! جز امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی؟! این عمل آیا جز حسن نیت بیشتر رهبری مجاهدین به امپریالیسم و همکاری همه جانبه آنها با سرمایه داران، رژیم جمهوری اسلامی و دیگر مرتجعین، معنای دیگری دارد؟

مدارس خصوصی ویژه فرزندان سرمایه داران

مساله را باین شکل مطرح میکند. با توجه بضرورت مشارکت مردم در امر تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش میتواند از همکاری افراد و گروههایی که داوطلب اداره آموزشگاهها بصورت غیر انتفاعی و بر اساس ضوابط دقیق آموزش و پرورش باشند استفاده کرد و امکانات و تسهیلات لازم را در اختیار آنان قرار دهد." (کیهان فروردین ۶۵) ○

مدارس خصوصی که درحقیقت ویژهی فرزندان سرمایه داران بود، و از عمین جهت نیز انحلال آنها بعد از قیام از خواستهای توده های زحمتکش بود. اما رژیم ارتجاعی اکنون مجددا می خواهد این گونه مدارس را برپا کند. حسین عرّاتی یکی از مزدوران رژیم در مجلس می گوید: "شورای انقلاب مصوبه ای دارد و در تبصره یک آن



یکی از مدارس حلبی آباد شیراز که در چادر دایر شده است.

سلب مالکیت از دهقانان

سازمان اوقاف رژیم می خواهد عزاران روستایی زحمتکش میهنمان را که بعد از اصلاحات ارضی ارتجاعی رژیم شاه، به بهای سالها سرکیشه شدن توسط بانکها و دیگر نهادهای ارتجاعی رژیم شاه صاحب قطعه زمینی شدند، مجددا بردهی خویش سازد. امامی جمارانی سرپرست سازمان حج و اوقاف کشور می گوید: " مساله استرداد موقوفات یک امر قانونی است و طبعی فتوا حضرت امام که بعد از انقلاب از ایشان سؤال شد، تمام موقوفات از دست رفته باید به وقفیت برگردد و عمل به وقف شود. بر اساس این قانون کلیه موقوفاتی که بوسیله اصلاحات ارضی به فروش رسیده و آمار آن حدود ۲۲۰ هزار رقبه در سراسر کشور است اسنادش باطل و به حالت وقفیت بر خواهد گشت." (کیهان، ۲۳ فروردین ۶۵) ○

آوارگان جنگی در قبرستان زندگی می کنند

یکی از "برکات" جنگ ارتجاعی آواره کردن میلیونها نفر از توده های زحمتکش است. این آوارگان پس از گذشت ۶ سال از جنگ ارتجاعی همچنان در بدترین شرایط بسر می برند. نمایندهی دشت آزادگان در مجلس ارتجاع از وزیر کار و امور اجتماعی می خواهد: " هیاتی برای بررسی وضع جنگ زدگان دشت آزادگان به منطقه اعزام نماید تا در رابطه با وضع ناهنجار مسکن بخصوص ۵۰۰ خانوار که زیر چادر و حصار و بدون هیچ امکاناتی در قبرستان سوسنگرد زندگی می کنند رسیدگی جدی بشود." (کیهان، ۲۶ اسفند ۶۴) ○

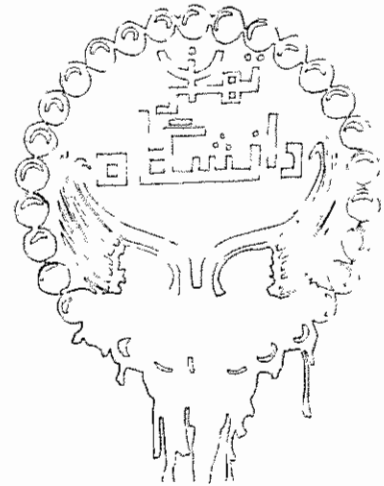
چند ساله را به باد نخواهد داد ؟ ... اما اشتباهی که در مصاحبهی وزیر محترم بود و موجب نگرش این مقاله شد این است که گفته اند: " در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم بجز ۲ یا ۳ نفر با این مساله کاملا موافق هستند از جمله سران سه قوه ... " و این گفته اشتباهی است که از ایشان انتظار نمی رفت." (کیهان، ۱۲۸ اسفند ۶۴) ○

دانشگاهها می گذرد، تازه آنها را اندکی رؤبراه کنند و دست ضد انقلاب را تا حدی از آنها کوتاه سازند حال آیا گره زدن چنین محیط نوپا و ضربه پذیری به محیطی آن چنانی با وجود نفوذ بعضی از اعضای برخی سازمانها و شورا های مربوط به پزشکی که حرکت ضد انقلابی برخی از آنها را در همان شوراها دیده ایم، تمام این تلاش

جنگ ارتجاعی، توطنه جدید

رژیم علیه دانشجویان

دراشمین سالگرد سرکوب خونین دانشگاهها، رژیم مرتجعین طرح ضد انقلاب فرمکنگی خویش را می‌خواهند این بار تحت عنوان "نزدیکی دانشگاه به جنگ" تکمیل کند. علیرضا صفاریان عضو دفتر تحکیم وحدت در کنفرانس مطبوعاتی اعضای ستاد مرکزی بسیج دانشگاهی می‌گوید: "برای ساختن یک دانشگاه اسلامی و مردمی کردن آن باید دانشگاه بطور مستمر در جنگ حضور داشته باشد تا از این طریق دانشگاهها بتوانند به استقلال برسند... باید کلیت دانشگاه در خدمت جنگ قرار بگیرد و حتی نیروهای رفاه طلب، بی‌تفاوت و مخالف نیز طی یک برنامه ریزی با هم‌آهنگی سپاه پاسداران وارد جنگ شوند... باید با استفاده از وضعیت جنگ به نفوذ



فرسنگی غرب حمله‌ور شویم و پدیده‌های انحرافی را در سطح جامعه پاک کنیم و در این مرحله با اعزام نیروهای به جبهه، نیازهای فوری را پاسخ دهیم و در مرحله بعدی با برنامه‌ریزی، دانشگاه را بطور کامل در خدمت جنگ قرار بدیم" (کیهان، ۲۰ فروردین ۶۵)

خان‌ها در خدمت حکومت جمهوری اسلامی

انقلاب باز هم خان وجود دارد. اگر وجود دارد مقصرا کیست؟ در این صورت باید گفت وای بر ما و وای بر دستگاه قضائی و مسئولین کشور، مساله دیگر که باعث سزا و صدا و جو سازی است، مساله زمین است... امیدوارم امام بزرگوار نظرا صریح خود را طوری بیان نمایند که دیگر هیچ فردی قادرا به تاویل آن نبوده "تا سیه روز شود هر که در او غش باشد" (کیهان، ۲۰ فروردین ۶۵)

حمایت رژیم از خانها آنچنان آشکارا گشته که خود مزدوران رژیم نیز بر بستر تناقضات درونی هیات حاکمه در اشاره به این موضوع صراحت کامل دارند. نماینده‌ی نوشهر در مجلس می‌گوید: "خانها هرگز به تنهایی قادر نبوده که به مردم زور بگیرد جز در پناه حکومت وقت مخصوصا دستگاه قضائی و انتظامی والا خود مردم روزگار خان را سیاه می‌کردند. آیا واقعا پس از عشت سال از پیروزی

مزدوران رژیم به جان هم افتاده‌اند

معم وارذ شده، اگر شناسایی شده‌اند رسیدگی شود و اگر نه پی‌گیری نمایند تا شهر از ناامنی نجات یابد. به انجمن حجتیه در سراسر کشور خصوصا میانه تذکر می‌دهم که سر جای خود بنشینند. بیش از این مزاحم خدمتگاران و کارمندان و دولت نشوید. در امور شهر مداخله ننمائید، از شایعه سازی و تحریکات افراد ساده لوح و بی‌اطلاع بپرهیزید. در کار ارکانها خصوصا بنیاد شهید دخالت نکنید و خانواده شهدا و جانبازان را علیه مدیران امور و علما و اولیاء دیگر نشورانید" (کیهان، ۲۴ فروردین ۶۵)

سلیمی نماینده‌ی میانه در مجلس ارتجاع، پس از اشاره به تناقضات هیات حاکمه، از جمله در مورد جنگ، در رابطه با حوزه‌ی انتخابیه‌ی خود چنین می‌گوید: "همچنین نامه‌های شبانه در تمام نقاط شهر علیه ریاست دادگستری آقای فولادی و دادیار آقای کریمی و بازپرس آقای بابازاده و اینجانب و آقای حکم‌الله پزشکی نماینده‌ی میانه منتشر شده که نسخه‌های آن باز در دادگستری و دادسرای انقلاب موجود است. حتی مرا ۵ نفر را به قتل تهدید کرده‌اند. به منزل دادیار و بازپرس سه راهی انداخته‌اند و خسارت

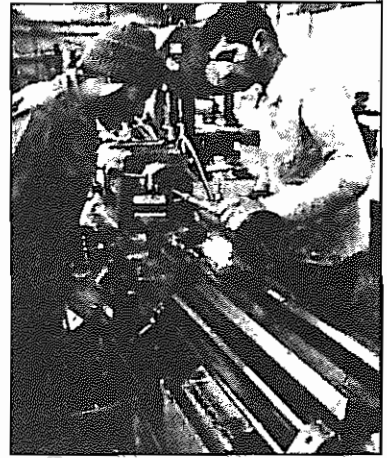
مغز متفکر نظام، و تن ناتوان وزارت بهداشت

فرمکنگی رژیم در جوابیه‌ای به دکتر مرندی مزدور می‌گوید: "آیا مغز متفکر یک نظام را به یک تن ناتوان پیوند زدن درست است؟ با هزاران چاره اندیشی و تدبیر، مسئولان توانسته‌اند در این چند سالی که از بازگشایی

با انتقال دانشکده‌های پزشکی به وزارت بهداشت و درمان، اختلاف بین مزدوران شدت یافته، و طی مصاحبه‌ها و نوشته‌هایی به محکوم کردن یکدیگر پرداختند. حجت‌الاسلام دکتر احمدی عضو شورای عالی انقلاب

حداقل دستمزد کارگران در سال ۶۵ تغییر نمی‌کند

علی رغم نرخ بالای تورم در جامعه، رژیم جمهوری اسلامی حاضر به تغییر سطح حداقل دستمزد کارگران نیست. روزنامه‌ی کیهان می‌نویسد: " بنا به اطلاعات رسیده شورای عالی کار تغییر در میزان حداقل دستمزد کارگران در سال ۶۵ نخواهد داد. لازم به یادآوری است که شورای عالی کار، سال گذشته حداقل دستمزد کارگران را برای سال ۶۴، از ۶۳۵ ریال (مصوب شورای عالی کار و شورای انقلاب در سال ۵۹) به ۷۴۰ ریال در روز افزایش داد." (کیهان، ۲۸ اسفند ۶۴) ○



وضعیت طب و درمان

در

رژیم جمهوری اسلامی

مرئدی وزیر بهداشت و آموزش پزشکی رژیم طی مصاحبه‌ای به تشریح موقعیت طب و درمان در ایران پرداخته و می‌گوید: " ما بایستی سالیانه حدود ۸ هزار دانشجوی پزشکی بپذیریم تا بتوانیم در سال ۱۳۸۱ برای هر هزار نفر جمعیت یک پزشک داشته باشیم... و حتی کشوری نظیر شوروی سعی دارد که تا سال ۱۳۸۰ برای هر ۱۰۰ نفر یک پزشک داشته باشد."

او در رابطه با کمبود دارو و وجود بازار سیاه دارو می‌گوید:

" علت دیگر مساله کمبود ارز است. ما مقدار ارزی که در سال ۶۴ در اختیارمان قرار داده شد، دو سوم ارز سال ۶۳ بوده است و تازه همین مقدار ارز هم در بعضی مواقع، هفته‌ها و یا ماهها دیرتر به دست ما می‌رسد." همچنین این مزدور در توجیه اخذ پول بابت دارو در مراکز درمانی می‌افزاید:

" در سال ۶۳ به علت کمبود اعتبارات یک میلیارد تومان از اعتبارات ما را از طریق درآمدهای اختصاصی پیش بینی کردند و در سال ۶۴ این مبلغ به ۱/۵ میلیارد تومان رسانده‌اند و ما مجبوریم که به همین دلیل برای ویزیت جداگانه و برای دارو جداگانه از مردم پول بگیریم... و این باعث می‌شود که وقتی مردم در پرداخت قسمتی از بهای دارو شریک باشند دلسوزی بیشتری نسبت به دارو داشته باشند." ○ (کیهان، ۲۵ اسفند ۶۴)

طرح پتروشیمی ایران و ژاپن مجدداً متوقف شد

در حالی که رژیم در پیشبرد سیاست " نه شرقی، نه غربی " طی چند سال گذشته همچنان بر اجرای طرح پتروشیمی ایران و ژاپن یافشاری می‌کند بار دیگر اجرای این طرح به دلیل جنک و ورشکستگی رژیم متوقف گشت.

روابط عمومی وزارت نفت طرح پتروشیمی ایران و ژاپن اعلام کرد: " مدتی است که میتسوئی و شرکاء که دارنده ۵۰ درصد سهام طرح می‌باشند از انجام تعهدات مالی سر باز زده و علاوه از عمل به ضمانت‌هایی که به طرف ایرانی داده‌اند بدون ذکر دلیل طفره می‌روند و لذا طرف ایرانی، انجام تعهدات بصورت یک طرفه که خلاف قرارداد است را صلاح ندانسته و به ناچار پرداخت اقساط اصل و بهره را تا حل و فصل فیما بین معلق ساخته است." ○ (کیهان، ۲۸ اسفند ۶۴)

صراحت مرتجعین چینی در دفاع از نظام سرمایه‌داری وابسته ایران

یکی از اعضای هیات اجرایی اتحادیه‌های کارگری چین که به دعوت خانه‌ی کارگر رژیم به ایران آمده است، طی مصاحبه‌ای با صراحت تمام به تطهیر رژیم سرمایه‌داری وابسته می‌پردازد. وانگ زون می‌گوید: " نکته جالب اینست که ما در این سفر شاهد پیشرفت‌های بزرگ شما ایرانیان بودیم و این برای ما جالب بود که با توجه به محاصره اقتصادی چگونه صنایع شما فعال و کارگران شما با روحیه والا کار می‌کنند و ما دیدیم که کشور شما چگونه با رهبری خمینی دست ابر قدرت‌ها را از صنایع کشور قطع کرد و امروزه صنایع شما مستقل است... تا آنجائی که ما از کارگران اطلاع حاصل کردیم وضع رفاهی آنان بهتر از گذشته شده است و همگی رضایت کافی از وضع زندگی داشتند." (کیهان، ۲۴ فروردین ۶۵)

خمینی : ولایت در معرض خطر است

با روشن شدن هرچه بیشتر ماهیت ارتجاعی جنگ و گسترش اعتراضات توده‌ها بر علیه آن، اختلافات درون میات حاکمه نیز مجدداً بر سر مساله‌ی جنگ تشدید می‌یابد. جناحهایی از هیات حاکمه در عراس از آتش خشم توده‌ها در مخالفت با جنگ نغمه سر داده‌اند. شدت این اختلافات تا بدان حد است که خمینی شیاد را مجدداً به صحنه تناقضات درون هیات حاکمه یرتاب کرده است. خمینی در سخنرانی ۶۵/۱/۴ خود در جمع سران مزدور رژیم می‌گوید: "ما حالا بنشینیم بگوییم که ما اهل ولایت هستیم اگر شما اهل ولایت هستید چرا الان که ولایت در معرض خطر است نشنید... اگر خدای نخواست این حزب بعث بیاید و غلبه خدای نخواست کند، که نخواست کرد به کی رحم می‌کند به شمائی که آن وقت نشسته بودید و می‌گفتید بیایید جنگ را برداریم و از بین ببریم و جنگ خوب نیست و مردم با جنگ مخالفند این مردم از

کجا آمده‌اند که با جنگ مخالفند... کسانی که مخالف با این مسائل هستند خوب بنشینند تو خانه‌شان سرچه می‌خواهند بگویند، اما بدانند خلاف رضای خدا دارند می‌گویند - اگر حرفهای آنها تضعیف کند روحیه ده نفر جوان ما را، عاقبت شان بخیر نخواهد شد، توجه کنند به حرفهایشان."

بعد از این سخنرانی خمینی، سران مزدور رژیم در مصاحبه‌ها و سخنرانیهای خود به تائید سخنان خمینی می‌پردازند. رفسنجانی در این رابطه می‌گوید: "ایشان حجت را تمام کرده‌اند و معمولاً وفنی امام این طور سخن می‌گویند مسائلی هست که ما نمی‌فهمیم و لابد مسائل مهمتری را در نظر دارند که فرمودند تکلیف است و باید به جبهه رفت. اما همچنین از تعداد معدودی که در گوشه و کنار حق می‌زنند انتقاد کردند و دستور دادند که باید به جبهه رفت و اکنون تکلیف جدیدی برای ما پیش آمده است." (کیهان، ۷ فروردین ۶۵)

رسوایی رژیم در افکار بین‌المللی

به دنبال محکومیت مجدد رژیم از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، موسوی بجنوردی عضو شورای عالی قضایی رژیم شیادانه می‌کوشد وجود شکنجه را در زندانهای رژیم انکار کند. او می‌گوید: "چون امروزه نظام جمهوری اسلامی بعنوان مهد آزادی در دنیای مستضعفین بشمار می‌رود لذا مجامع بین‌المللی و استکبار جهانی سعی در لوث کردن این نظام اسلامی داشته و وجود شکنجه را در زندانهای ایران مطرح می‌کنند، حال آنکه نظام اسلامی مخالف شکنجه بوده و می‌باشد، لیکن دشمنان اسلام مساله تعزیر را که حد شرعی است تحریف نموده و بعنوان وجود شکنجه در ایران بیان می‌کنند که عاری از حقیقت است... زندانهای جمهوری ایران اکنون به آموزشگاه و دانشگاه تبدیل شده است بطوریکه مجرم را پس از طی کیفر به یک انسان واقعی تبدیل کرده و به جامعه اسلامی تحویل می‌دهد." (کیهان، ۱۰ فروردین ۶۵)

امپریالیسم فرانسه باید واقع بین باشد

به دنبال سفر قائم مقام روابط خارجی و مسئول کل آفریقا و خاورمیانه در وزارت خارجه فرانسه به ایران، موسوی نخست وزیر رژیم در تلاش برای بهبود روابط رژیم با فرانسه می‌گوید:

"ما دلمان می‌خواهد با دنیای خارج رابطه گسترده و قوی داشته باشیم از جمله با فرانسه که سابقه تاریخی دیرینه با آن داریم و موقعیت خوبی است که فرانسه از این سرفایه گسترده تاریخی بهترین

استفاده را برفع دو کشور بکند." همچنین موسوی طی مصاحبه‌ای با تاکید بر سه شرط قبلی رژیم مبنی بر بازپرداخت طلب ایران از فرانسه، قطع حمایت‌های دولت فرانسه از رژیم عراق و اخراج مخالفان رژیم از فرانسه جهت بهبود روابط با فرانسه، می‌گوید: "به نفع فرانسه است که در مورد روابط خود با خاورمیانه و انقلاب اسلامی در جهان و جمهوری اسلامی در منطقه واقع بین باشد." (کیهان، ۲۴ فروردین ۶۵)



السالوادور

مبارزات دانشجویان انقلابی
رو به اوج است

به دنبال گسترش دامنه‌ی مبارزات سیاسی دانشجویان انقلابی در السالوادور، طی ماههای اخیر سرکوب شدیدی توسط دولت نظامی این کشور آغاز شده است. در این مدت تعداد زیادی از رهبران و فعالین دانشجویی دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفته‌اند. از جمله دستگیرشدگان رهبر اتحادیه‌ی دانشجویان دانشگاه ملی السالوادور بود که پس از چندی به دنبال اعتراضات وسیع بین‌المللی آزاد گردید. — برطبق قوانین سرکوبگر السالوادور، نیروهای نظامی مجازند تا ۱۵ روز انقلابیون را بدون مشخص ساختن جرم آنها، در بند نگاه دارند. بر طبق گزارشات سازمانهای حقوق بشر در این کشور، اکثر شکنجه‌ها و اعدام تیروغای ایورسیسیون در طی عمین دوره‌ی کوتاه صورت می‌گیرد. این قانون که اخیراً برای ایجاد رعب و وحشت در میان انقلابیون طرح شده، تا کنون عیج ناشیری در مبارزات دانشجویان این کشور و گسترش دامنه‌ی آنها نداشته است و فعالیتهای ضد رژیم کماکان رشد صعودی خود را حفظ کرده است. ○

بولیوی

گسترش اعتصاب سراسری معلمان

اعتصاب بیش از ۷۵،۰۰۰ تن از معلمان مدارس بولیوی، که برای افزایش سطح حقوق از مفتی اول ماه فوریه‌ی سال جاری (آغاز سال تحصیلی در بولیوی) آغاز شده بود، وارد چهارمین ماه خود شد. در ماه گذشته رئیس‌جمهور بولیوی طی نطقی اعلام کرد که دولت وی قصد

شیلی

اعتراضات گسترده همچنان ادامه دارد

در ادامه‌ی تظاهرات ضدیکتاتوری ماه مارس در شیلی، اکثر شهرهای بزرگ این کشور در ماه گذشته نیز شاهد درگیریهای خونین میان توده‌های زحمتکش و قوای نظامی این کشور بودند. مرکز اصلی حرکت‌های اعتراضی در این مدت در مناطق فقیرنشین حومه‌ی سانتیاگو، و الپاریسو آریکا، و دیگر شهرهای بزرگ و همچنین محوطه‌ی دانشگاه‌های این کشور بود. در اواسط ماه گذشته مردم زحمتکش حومه‌ی پایتخت با ساختن سنگ‌های خیابانی به مقابله با قوای نظامی پرداخته و طی این درگیریها که طی چند روز پیاپی به طول انجامید دهها نفر زخمی و بیش از ۴۰۰ نفر از اهالی منطقه دستگیر شدند.

نیروهای انقلابی نیز با تحرك و سازماندهی بیشتری در مقایسه با داده و با انفجار بیش از ۱۰ بمب در ایستگاههای پلیس و مخابراتی، بانکهای دولتی و همچنین نیروگاههای برق، نیروهای انتظامی را غافلگیر کرده و حضور فعال خود را در صحنه‌ی مبارزات رو به اعتلا نشان دادند. محصلین مدارس پایتخت و دانشجویان مبارز دانشگاه سانتیاگو تظاهرات وسیعی در خیابانهای مرکزی شهر برپا کردند. دانشجویان به مناسبت سالگرد ربه‌ی شدن و قتل چند تن از رهبران اتحادیه‌های کارگری و معلمان، که در ماه آوریل سال گذشته صورت پذیرفته بود، ساختمانهای

دارد که به جای معلمان اعتصابی، ۷۵،۰۰۰ معلم جدید استخدام کند. در پی این اقدام محصلین و دانشجویان مبارز در حمایت از اعتصاب معلمان با وجود جو نظامی دست به تظاهرات



صحنه‌ای از اعتراضات دانش‌آموزان علیه دولت پینوشه

دانشگاه را به مدت دو روز به اشغال خود در آورده خواستار برکناری مسئولین دانشگاهی که با رژیم جنایتکار پینوشه همکاری می‌کنند، شدند. تنها در طی این اعتراضات دو روزه بیش از ۱۷۰ تن از دانشجویان مبارز دستگیر و تعداد زیادی از آنان مجروح شدند. ○

وسیعی در اکثر نقاط بولیوی زند و همراه معلمان، رئیس‌جمهور و دولت وی را محکوم کرده، اعلام کردند که در صورت استخدام معلمان جدید به کلاسهای درس باز نخواهند گشت. ○

اعتصاب عمومی يك روزه كارگران يونان

در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت پاپاندراس، بخش وسیعی از کارگران یونان دست به اعتصاب عمومی يك روزه زدند. در آتن، کانون این اعتراضات، دهها هزار کارگر بزرگترین راهپیمایی چند سال گذشته خود را برگزار کردند و با پشیمانی

کارگری یونان دو دستگی و شکاف به وجود آورده است. بسیاری از رهبران اتحادیههای کارگری که عضو حزب به اصطلاح سوسیالیست " پاسوک " بودند، به علت مخالفت خود با این اقدامات از این حزب اخراج شدهاند. در اجلاسهای سراسری



صحنه ای از تظاهرات کارگران در خیابانهای آتن.

يك پارچهی خود از اعتصاب، خواستار متوقف شدن تمام اقدامات سخت گیرانهی دولت علیه کارگران شدند. مبارزهی کارگران علیه سیاستهای ضد کارگری حزب حاکم این کشور " پاسوک " (PASSOK)، از نوامبر سال گذشته آغاز شده است. کارگران این کشور طی این مدت سرخستانه علیه اقداماتی چون ثابت نگه داشتن دستمزدها مبارزه کردهاند. شدت اعتراضات کارگران تا بدان حد بوده است که در بین رهبران اتحادیههای

اتحادیههای کارگری یونان که يك روز قبل از برپایی اعتصاب عمومی به کار خود پایان داد، بیش از نیمی از نمایندگان و رهبران اتحادیههای کارگری به دلیل مخالفت خود با سیاستهای دولت و رهبران طرفدار حزب " سوسیالیست "، این اجلاس را تحریم کردند. همهی اینها نشانهی ورشکستگی دولتی است که با وارد کردن فشارهای اقتصادی بر کارگران سعی دارد اقتصاد بحران زدهی یونان را بهبود بخشد.

سیمون دوبوار درگذشت



سیمون دوبوار (Simone de Beauvoir) نویسنده و فیلسوف فرانسوی در سن ۷۴ سالگی درگذشت. دوبوار که در سنین جوانی بر علیه استثمار و نظام سرمایه داری برخاسته بود، در طی جنگ جهانی دوم به همراه یار همیشگی اش ژان پل سارتر برای مقابله با اشغالگران نازی به جنبش مقاومت فرانسه پیوست. در سالهای پس از جنگ، از مخالفان سرسخت امپریالیسم فرانسه در جنگ علیه الجزایر بود. اما شهرت سیمون دوبوار به خاطر تحقیقات و مطالعاتش پیرامون مسالهی زن است. او که از پیش کسوتان جنبش فمینیستی بود، رسماً مجمع حقوق زنان در فرانسه بود. کتاب " جنس دوم " که در سال ۱۹۴۹ به رشتهی تحریر در آورد، مجموعهی کاملی از تحقیقات او پیرامون شرایط زنان بود. علاوه بر آثار ادبی چون " میهمان " و " زنی فنا شده " (A Woman Destroyed) دوبوار در ۴ جلد، شرحی از ۵۰ سال زندگی سیاسی - ادبی خود با ژان پل سارتر نوشته است. به رغم انحرافات عمدهی فمینیستی و ایده آلیستی که در سالهای آخر او را بیش از پیش از مارکسیسم و سوسیالیسم دور می کرد، سیمون دوبوار، برندهی جایزهی ادبی گنکور از متفکران و نوآوران با ارزش قرن بیستم به شمار می رود. ○

کارگران نروژ

دست به اعتصاب عمومی زدند

در هفته‌های گذشته نروژ شاهد یکی از بزرگ‌ترین اعتصابات کارگری چند دهه‌ای اخیر خود بود. بیش از ۱۰۰،۰۰۰ کارگر از بخشهای مختلف صنعتی در اعتراض به سیاستهای ضد کارگری دولت این کشور دست از کار کشیدند و با برپایی اعتصاب عمومی، فاطمانه در برابر تهاجم کارفرمایان این کشور مقاومت کردند.

دولت نروژ که هر ساله طی مذاکرات خود با اتحادیه‌های کارگری به توافقهایی می‌رسد، امسال در نشست خود با رهبران اتحادیه‌ها بدون هیچ زمینه‌ی قبلی سعی کرد که تصمیمات یک جانبه‌ی خود را بر اتحادیه‌های کارگری تحمیل کند. اما این تصمیمات با مخالفت رهبران اتحادیه‌های کارگری روبرو می‌شود و از این زمان به بعد زمینه‌های رو در رویی کارگران و دولت آماده می‌گردد.

در طی چند روزی که اعتصاب به طول انجامید، به دلیل گسترده بودن اعتصاب و اثرات عمیق آن بر اقتصاد نروژ، که بنا به اعتراف یکی از مقامات این کشور روزانه ۴۱ میلیون دلار خسارت در بر داشت، دولت نروژ وادار شد که به بعضی از خواسته‌های کارگران، همچون کاهش ساعات کار به ۳۷/۵ ساعت در هفته، گردن بگذارد. رهبران سازشکار اتحادیه‌های کارگری که از همان ابتدا مخالف برپایی اعتصاب بودند در مقابل این عقب نشینی موقتی، حاضر به سازش با دولت شدند، و در حالی که می‌توانستند با استفاده از موفقیت موجود دیگر خواسته‌های کارگران را مطرح کنند، به اعتصاب عمومی کارگران خاتمه دادند. ○

مارکوس از آکینو حمایت می‌کند

فیلیپین در هفته‌های اخیر شاهد زد و خوردهای شدیدی بین نیروهای ارتش و "چریکهای ارتش نوین خلق" بوده است. از زمان به قدرت رسیدن خانم آکینو، رئیس‌جمهور جدید این کشور، تا به حال، صدها تن از نیروهای ارتش در درگیریهای مختلف با چریکهای ارتش نوین خلق به هلاکت رسیده‌اند. آکینو در هفته‌های اخیر بیش از ۵۰۰ تن از زندانیان سیاسی و اعضای وابسته به حزب کمونیست فیلیپین را به تدریج آزاد کرده و در ازای آن خواهان یک آتش بس شش ماهه بین دولت و چریکها شد. او همچنین تهدید کرد که اگر چریکها اسلحه‌های خود را به زمین نگذارند و وارد مذاکره با دولت نشوند، مجبور خواهد شد جنگ همه جانبه‌ای را علیه آنان آغاز کند. اما چریکها در درگیریهای مختلف هفته‌های اخیر نشان دادند که حاضر به انجام هیچ گونه مذاکره با دولت نیستند، به طوری که در آخرین درگیری بین چریکها و ارتش حداقل ۴۰۰ چوک، در این عملیات شرکت داشتند.

مارکوس نیز در اوایل آوریل طی یک مصاحبه‌ی تلفنی با یکی از ایستگاههای رادیویی فیلیپین اعلام کرد که از مبارزات ضد کمونیستی خانم آکینو حمایت می‌کند و از ارتش خواست که در راه انجام این هدف به آکینو کمک کند. او همچنین گفت: "گرچه،

کره جنوبی

بحران سیاسی اوج می‌گیرد

کلاسهای خود و انجام راه‌پیمایی‌هایی در سراسر این کشور، همراه با شعارهای کوبنده‌ای چون "مرک بر دیکتاتور - مرک بر امپریالیسم آمریکا - زنده باد سوسیالیسم و ... خواهران برکناری

زد و خوردهای شدید بین دانشجویان مترقی کره جنوبی و پلیس در هفته‌های اخیر همچنان ادامه داشت. در ماه گذشته دانشجویان انقلابی کلیه دانشگاههای این کشور با تحریم

اختلافاتی با خانم آکینو داریم، ولی او سزاوار حمایت ارتش در جنگ علیه شورشیان چپ است." ○

سرمقاله

توطئه جاسوسی مجاهدین محکوم است

می‌دهد که از سازمانهای انقلابی ایران
بیان مبارزاتیشان را طلب کند.

جریانی که امروز با انتشار عکس
و نام و نشان انقلابیون شرایط گرفتاری
آنان را به دست رژیم جنایتکار جمهوری
اسلامی فراهم می‌کند، جریانی که
جاسوسی علیه دانشجویان و مبارزان
خارج از کشور و تعقیب و مراقبت پلیسی
آنها را از وظایف عمده خویش ساخته
است چگونه این چنین وقیحانه ادعای
انقلابیگری می‌کند؟

ما، هواداران سچفا، جدا به
مجاهدین خلق هشدار می‌دهیم که
در صورت ادامه سیاست جاسوسی
سرلوشتی جدا از حزب ضد انقلابی
توده و اکثریتی‌های خائن در انتظارشان
نخواهد بود. هواداران سازمان در
سراسر جهان با هوشیاری مراعجه تمامتر
با توطئه‌های مجاهدین مقابله کرده
و حرکات جاسوسی و پلیسی آنان
را افشا خواهند کرد.

ما همچنین به کلیه سازمانهای
انقلابی و مبارز هشدار می‌دهیم که
توطئه‌ها و حملات شبه فاشیستی
مجاهدین علیه سچفا و هواداران
آن تنها به سازمان ما محدود نخواهد
شد و دیری نخواهد پایید که بسیاری
دیگر از نیروها نیز آماج کینه‌توزی‌های
این سازمان قرار گیرند. ما از کلیه
نیروهای انقلابی انتظار داریم که
شدیدا این اعمال بی‌سابقه جاسوسی
از سوی مجاهدین را محکوم کنند.

تنها با همکاری متحد و متشکل
همه‌ی نیروهای انقلابی و دموکرات
میتوان اماکن فعالیت نیروهای مبارز
را از لوث وجود جاسوسان و خریچینان
مبرا ساخت. ○

خواستند که به این عملیات پایان
دهند !! رئیس جمهور دیکتاتور این
کشور در ماه اخیر با انجام یک سری
دیدارهایی از کشورهای مختلف اروپایی،
خواهان حمایت آنها از دولتش در
سرکوب مبارزات توده‌ای مردم کره
و به ویژه دانشجویان شد. ○

دیکتاتور حاکم بر این کشور شدند.
درگیریهای چند هفته‌ای اخیر دانشجویان
از خشونت آمیزترین زد و خوردهای
آنان بوده است.
مبارزات دانشجویان، اپوزیسیون
بورژوازی این کشور را به عراس انداخته
به طوری که آنان از دانشجویان



پلیس ضد شورشی با گاز اشک آور به تظاهرات ضد دولتی دانشجویان در
دانشگاه سنول حمله ور می‌شود.

پاکستان

بوتو آلترا تیبو دیگر امپریالیسم



بی‌نظیر بوتو

داد و در صورت ایجاد هرگونه اغتشاش
از سوی هواداران بوتو در مقابل آنان
ایستادگی خواهد کرد. ○

در هفته‌های اخیر رسانه‌های غرب،
مملو از خبرهای مربوط به بازگشت
بی‌نظیر بوتو، رهبر تبعیدی " حزب
مردم پاکستان"، به این کشور بوده‌اند.
بار دیگر امپریالیسم جهانی، با علم
کردن مهره‌ی جدیدی، در پی به انحراف
کشاندن مبارزات مردم و جلوگیری
از وقوع یک جنبش انقلابی است.
بی‌نظیر بوتو در سخنرانیهای اخیر
خود خواهان انجام انتخابات جدید،
و برکناری ژنرال ضیا الحق شده. ضیا الحق
نیز اعلام داشت که دولتش، دولت
انتخابی مردم است و بر طبق قانون
تا سال ۱۹۹۰ به حکومتش ادامه خواهد

تجاوز نظامی آمریکا به لیبی با شکست روبرو شد

عصر روز دوشنبه ۱۴ آوریل ۸ فروردین
جنگنده‌ی دور پرواز اف - ۱۱۱ آمریکایی
از دو پایگاه سوایی در انگلستان

آمریکایی با پرواز از ناوهای عوایمابرا
این کشور مستقر در دریای مدیترانه
به مقصد بنغازی، فرودگاه و برخی

موقعیت خود شدیداً استفاده برد.
انعکاس این عمل در دنیای عرب
آنچنان بود که حتی دولتهای دست
نشاندهی آمریکا نیز هراسان از جو
موجود در کشورهای خود مجبور به اتخاذ
موضع علیه این تجاوز نظامی شدند.
حتی دولتهای مصر، اردن هاشمی و
عراق که از جمله دشمنان سرسخت
حکومت قذافی محسوب می‌شوند مجبور



صحنه‌ای از برخورد تظاهرکنندگان با پلیس در مقابل سفارت آمریکا در لندن.

به محکوم کردن آمریکا شدند.
دولت ریگان در این حمله مشخصاً
دو هدف عمده را دنبال می‌کرد. اولاً
این که قذافی به احتمال زیاد در انفجار
وسیع پادگان العزیزیه تلف خواهد
شد، و ثانیاً بمباران ترابلس باعث
تضعیف حکومت شده به عناصر ناراضی
درون ارتش امکان خواهد داد که
دست به یک کودتای نظامی بزنند.
اما سیر حوادث نه تنها شکست
مفتضحانه‌ای برای آمریکا به بار آورد
بلکه باعث محبوبیت دولت ارتجاعی
لیبی در داخل و خارج از آن کشور شد.
این دولت که به واسطه‌ی عملکردهای
قرون وسطایی و سیاستهای سرکوبگرانه
و به غایت ارتجاعی مورد انزجار و
تمسخر نیروهای دموکرات و آزادیخواه
جهان بود، امروز مورد حمایت اندهان
عمومی جهان قرار گرفته است. ■

مناطق نظامی در حومه‌ی این شهر
را مورد حمله قرار دادند.
بنابر گزارش خبرگزاری لیبی، در
این حملات مجموعاً ۳۸ نفر کشته شده‌اند
که تنها دو تن از آنان از افراد نظامی
بودند. به دنبال این حمله‌ی تروریستی
دولت آمریکا، کلیدی دولتهای جهان،
حتی دول امیرنالیستی، به استثنای
انگلستان، کانادا و اسرائیل این
تجاوز نظامی آمریکا را محکوم کردند.
شهرهای اروپایی در سفته‌ی متعاقب
این حمله صحنه‌ی تظاهرات و اعتراضات
وسیع شده‌ای بود. اعتراضات گسترده‌ی
مردم در لندن علیه دولت آمریکا و
سیاست سمکاری دولت تاچر چندین
روز به طول انجامید. دولت ارتجاعی
سرسنک قذافی، از این تجاوز
جنایتکارانه‌ی آمریکا جهت برانگیختن
احساسات ملی مردم لیبی و تثبیت

به مقصد ترابلس به پرواز در آمدند.
از آنجا که کشورهای فرانسه و اسپانیا
به آمریکا اجازه‌ی عبور از حریم سوایی
خود را نداده بودند، این سوایم‌ها
با افزایش نزدیک به ۵۰۰۰ کیلومتر
به مسافت‌شان، از طریق پرواز بر فراز
اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه،
و سوخت گیری در آسمان، پس از هشت
ساعت پرواز، به ترابلس رسیدند.
هدفهای مورد نظر از مدتها قبل تعیین
شده بودند. مهم‌ترین هدف پادگان
العزیزیه، محل اقامت و دفتر سرسنگ
قذافی بود.

در حملات جنگنده‌های سوایی
آمریکا ضمن وارد آمدن خساراتی به
این پادگان چند سفارتخانه و تعداد
زیادی واحدهای مسکونی نیز مورد
اصابت قرار گرفت. همزمان با این
حملات تعدادی از سوایم‌های

بلژیک

بروکسل - در تاریخ ۲۸ فوریه، از سوی دانشجویان ایرانی عوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در بلژیک، برنامه‌ای به مناسبت شانزدهمین سالگرد رستاخیز سیاعکل و هشتمین سالگرد قیام بهمن در بروکسل برگزار شد. این برنامه با قرائت پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت سالروز قیام بهمن و

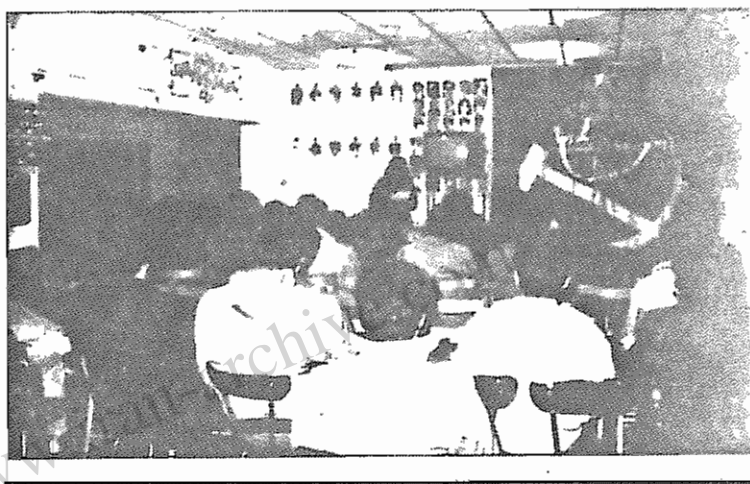
سیاعکل به زبان فارسی و فرانسه آغاز گردید. سپس توسط یکی از رفقای " اتحادیه کارگران و دانشجویان کرد " چند آواز و موسیقی کردی اجرا شد. در ادامه یکی از رفقای مراکشی چند شعر از سروده‌های خود را به زبان فرانسه قرائت کرد. سپس ویدیوی " مرگ بر امپریالیسم " ، ساخته‌ی رفیق سعید سلطانپور نمایش داده شد. پایان برنامه به پاسخگویی به سئوالات حضار ایرانی و خارجی اختصاص داده شده بود. برنامه با سرود انترناسیونال پایان یافت. □

هند

دلی - دولت راجیو گاندی در نظر دارد لایحه‌ای در رابطه با "سیاست جدید تحصیلی" خود در پارلمان هند به تصویب رساند. این لایحه دولت مبتنی بر تمایز و تبعیض در دو سطح تحصیلی است، یکی ایجاد مدارس نمونه که شاگردان ممتاز و نخبه را که متعلق به اقشار بالایی جامعه است می‌پذیرد و از امکانات و توجهات زیاد دولتی و خصوصی برخوردار است، و دیگری مدارس عادی و بدون امکانات برای فرزندان اقشار و کاستهای پایینی جامعه.

در اعتراض به این سیاست تحصیلی دولت راجیو گاندی، سازمان دموکراتیک سراسری دانشجویان هند (AIDSO) که دارای صدها هزار عضو می‌باشد و یکی از بانفوذترین تشکلات دانشجویی هند است، چهارمین کنفرانس خود را در روزهای ۲۰ تا ۲۲ فوریه در دلی برگزار نمود. این سازمان دانشجویی وابسته به حزب " اتحاد مرکزی سوسیالیستهای هند " (SUCI) می‌باشد و تاریخچه‌ی فعالیت آن از دسامبر ۱۹۵۴ آغاز می‌گردد.

بنابه دعوت (AIDSO) سازمان دانشجویان ایرانی در هند عوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیز در این کنفرانس شرکت نمود و در روز ۲۱ فوریه کنفرانس با شرکت ۷۰۰۰ دانشجو، از ۱۷ ایالت هند، با سخنرانی پرنیش چاندا یکی از رهبران (SUCI) افتتاح گردید. پس از آن پیام سازمان دانشجویان ایرانی در هند - عوادار سچفا توسط یکی از رفقای عوادار قرائت گردید. علاوه بر آن رفقای شرکت کننده در کنفرانس توانستند با پخش نشریات و جزوات مختلف سازمان، ضمن افشا و محکوم نمودن جنایات رژیم جمهوری



توسط رفقای گروه کرا و موسیقی مترقی آمریکای لاتین ادامه یافت. پس از استراحت، مراسم با اجرای دو نمایشنامه یکی به نام مدرسه که بیانگر عملکرد ارتجاعی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و جناح غیررسمی دیروز آن ضد انقلابیون نوده‌ای در آموزش و پرورش و دیگری به نام کارخانه که بیانگر مبارزات کارگران و عملکردهای ضد انقلابی رژیم در مقابله با آنها بود توسط رفقای عوادار " سچفا " به اجرا در آمد و برنامه با دکلمه‌ی شعری از برشت به زبانهای آلمانی و فارسی و اجرای موسیقی و رقص خلقی کرد توسط گروه منری وابسته به حزب P K K از ترکیه ادامه یافت. □

آلمان غربی

گوتینگن - در تاریخ ۲۲ مارس ۸۶ از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی عوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - گوتینگن، به مناسبت آغاز سال ۱۳۶۵ مراسم برگزار شد. این مراسم که حدود ۲۰۰ نفر از ایرانیان، دیگر خارجی‌های مقیم گوتینگن و آلمانی‌های مبارز و مترقی در آن شرکت نموده بودند با اجرای سرود بهاران خجسته باد توسط رفقای گروه کرا آغاز شد و سپس با قرائت مقاله‌هایی به زبان آلمانی و فارسی، اجرای سرود بریا خیز